

مقدمه‌ای بر  
شناخت شاخصه‌های  
سینمای ایران



جبار آذین

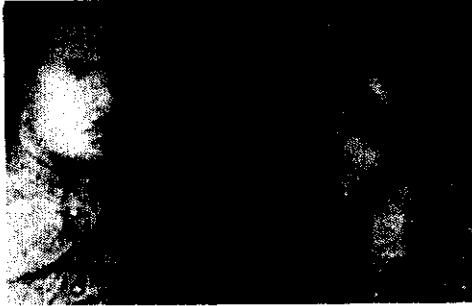


هر پدیده‌ای حاوی عناصری خاص است و در شرایط ویژه‌ای نیز تولد می‌یابد. در میان عناصر تشکیل دهنده هر پدیده، يك عنصر اساسی و حیاتی و تعیین کننده وجود دارد که همانا عامل حرکت و حیات آن پدیده است. این عنصر خاص، شاخص اصلی پدیده مفروض است و عناصر دیگر در عین برخورداری از خصوصیات مجرد، تکمیل کننده آن عنصر پویا و حیاتبخش می‌باشند.

پدیده سینما از غرب برای ما به ارمغان آورده شد و چون نوزادی در دامان پرورش دهندگان ایرانی که چشم به غرب داشتند، تبدیل به مقلدی الکن از مادرش شد. اما در میان پرورش دهندگان، کسانی یافت شدند که وقتی نوزاد بی قواره را مطابق با الگوها، آما و شرایط اجتماعی ندیدند، کوشیدند تا در چگونگی این نوزاد، تأثیر بگذارند و درست از

همین زمان به بعد نوزاد عجیب الخلقه سینمای ایران دچار آشفته‌گی و التهاب شد و هر زمان رنگی تازه یافت. هرچند که بر قامت آن، جامه «فیلمفارسی» دوخته بودند اما تمایل به تغییر این جامه در سینما کاملاً مشهود بود. شناخت و انتخاب فیلمها و مشخصه‌های سینما، کلید دستیابی به عنصر پویای پدیده سینماست. سینمای مقلد ایران از همان آغاز به جای تکیه بر توانمندیها و ارزشهای داخلی، به سوی غرب آغوش گشود و رو به قهقرا گذاشت. در میان خیل آثار سینمایی ایران، هر از گاهی جرقه‌ای زده می‌شد و فیلمی تولید می‌شد که برای سالها در سرنوشت سینما تأثیر می‌گذاشت. فیلمهایی چون گاو، قیصر، گنج قارون و... از جمله آثار شاخص سینمای قبل از انقلاب اسلامی ایران بودند.

در این مطلب به منظور ایجاد بحث و کنکاش



معرفی فیلمهایی که می توانند شاخص سینمای ما باشند، به معنای خوب و یا بد بودن آنها نمی باشد، بلکه منظور نگارنده، تأثیرگذاری آن فیلم، بر جریان تولید فیلم و به عبارتی دیگر نقطه عطف بودن فیلم در يك مقطع خاص از حرکت سینما در ایران است:

فیلم دختر لر (۱۳۱۱) نخستین فیلم ناطق ایرانی، توانست تأثیری عمیق در جذب تماشاگران سینما بگذارد و فیلمسازان ایرانی را به تحرك وادارد.

فیلم آبی و راهی (۱۳۰۸) براساس بازیهای کمدینهای دانمارکی ساخته شد و بسبب تقلیدگرایی را در سینما گشود.

اولین فیلم فارسی (طوفان زندگی) با ترکیبی از حرفه ایهای تئاتر و سینما و با استفاده از شعر و موسیقی و آواز پس از ده سال فترت سینمایی، آغازگر تولید فیلمفارسی در سال ۱۳۲۷ شد.

فیلم ولگرد (۱۳۳۱) به خاطر نوع داستان و طرح مسائلی چون عشق، دزدی و قمار، بعدها الگوی ساخت فیلمهای زیادی مانند گرداب، غفلت و... شد.

فیلم گل گمشده که در سال ۱۳۳۲ ساخته شد به لحاظ استفاده از رقص و آواز، سبک استفاده از این عناصر را به تقلید از فیلمهای هندی وارد سینمای ایران کرد.

در کیفیتها و ارزشهای سینمای ایران، نگاهی گذرا به فیلمهای مطرح ایرانی داریم. نگارنده مدعی نیست که تقسیم بندیها و اطلاق موضوعی به تمام فیلمها، کامل و بدون نقص است؛ اما اگر این مطلب بتواند حرکت و تحقیق در زمینه شناخت ویژگیهای سینمای ایران را فراهم آورد، اجر خود را گرفته است.

شناخت شاخصهای فیلمهای سینمای ایران، آن هم در شرایط نه چندان مطلوبی که سینمای ما درگیر آن است، نشان خواهد داد که اگر قرار باشد سینمای ایران آسیب ببیند و یا تولید فیلم ایرانی دچار رکود شود، ماچه چیزهایی را از دست خواهیم داد.

## فیلمهای شاخص سینمای ایران در يك نگاه (۱۳۵۷-۱۳۰۸)

از نخستین تولیدات فیلمهای ایرانی در ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۵۷، سینمای ایران به لحاظ کیفی کمترین پیشرفت را داشته است. با آنکه بالغ بر ۱۰۰۰ فیلم در طول نیم قرن در عرصه سینمای حرفه ای ایران ساخته شده است اما کمتر فیلمی را می توان سراغ کرد که هم تکنیک و محتوای قابل توجهی داشته باشد و هم اینکه بر روند فیلمسازی در ایران تأثیری تعیین کننده گذاشته باشد.

در مسیر سرگذشت اندوهبار و عبرت آموز سینمای ایران، آثاری که توانسته باشند فصل تازه ای و دریچه روشنی به روی سینما و تماشاگران ایرانی گشوده باشند، محدودند. با این حال آثاری که برای نمونه از آنها ذکر می شود، توانستند تأثیرات میان مدت و بلند مدتی بر روند تولیدات این سینما بگذارند.



شب نشینی در جهنم

معزالدیوان فکری با کارگردانی فیلم دختر چوپان در سال ۱۳۳۲ آغازگر تولید نوع تازه‌ای از فیلم که به زندگی روستاییان توجه نشان می‌داد شد. این فیلم به دلیل توجه سطحی و تحریف زندگی روستاییان، منشأ تولید فیلمهای بی هویت فراوانی بود که مسخ فرهنگ روستایی را به دنبال داشت.

ساموئل خاچیکیان با ساختن فیلم چهارراه حوادث باعث بروز جنجالهای مطبوعاتی شد. این فیلم به خاطر دارا بودن عناصر اولیه سینمای پلیسی و جنایی، دکوپاژ و کارگردانی نسبتاً جمع و جور و... در جشنواره سینمایی ایران، جوایز بهترین کارگردانی و بازیگری مرد را از آن خود کرد. چهارراه حوادث در سال ۱۳۳۳ ساخته شد و بذری تولید فیلمهای جنایی پلیسی را در سینما کاشت.

در سال ۱۳۳۵، شهلا ریاحی به کمک محمدعلی جعفری فیلم مرجان را کارگردانی کرد. مرجان، از فیلمهای مطرح سینما نیست اما به لحاظ حضور يك زن در مقام کارگردان حائز اهمیت است.

فیلم شب نشینی در جهنم، يك فیلم جنجالی بود که به دلیل برخورداري از دکورهای خاص و نو برای چند صباحی در سال ۱۳۳۶ مطرح بود. البته مسئله مهمتری که باعث مطرح شدن این فیلم بود، داستان غیرمتعارف و ضد مذهبی فیلم بود.

مجید محسنی با کارگردانی فیلم لات جوانمرد به جماعتی آبرو بخشید که فاقد آن بودند. این فیلم که در سال ۱۳۳۷ ساخته شد، سرآغاز تولید فیلمهای جاهلی شد که روند ساخت این قبیل فیلمهای مبتذل تا سال ۵۷

ادامه داشت.

داوود ملاپور با شوهر آهو خانم در سال ۱۳۴۷ از زندگی صحبت به میان آورد. این فیلم براساس کتاب شوهر آهو خانم اثر علی محمد افغانی تهیه شده بود و موجبات بحثهای بسیاری را در محافل سینمایی فراهم کرد و کسانی آن را نخستین فیلم اصیل ایرانی دانستند.

فیلمهای گاو و قیصر در سال ۱۳۴۸ تولید شدند و هر کدام تأثیرات خاصی روی سینمای ایران گذاشتند. فیلم قیصر به دلایل متعددی از جمله داستان، بازیها، موسیقی و علاقه و عادت تماشاگر ایرانی به دیدن فیلمهای آرتیستی و... توانست مدت طولانیتری فیلمهای جاهلی را سرپا نگاه دارد و به شخصیت قهرمان ضد قانون مشروعیت ببخشد.

فیلم حسن کچل سر آغاز تولید فیلمهای موزیکال ایرانی شد هرچند که نتوانست به صورت یک جریان فیلمسازی در آید، اما تأثیرات خود را بر روی فیلمهای ایرانی گذاشت.

در سال ۱۳۵۰ فیلمهای متفاوتی چون داش آکل، درشکهچی، خداحافظ رفیق و... تولید شدند که هیچ کدام نتوانستند تعیین کننده باشند، اما هر کدام در زمان خود بحث انگیز بودند.

فیلمهای رگبار، پستیچی و تپلی در سال ۱۳۵۱ ساخته شدند اما این فیلمها نیز نتوانستند بر سرنوشت سینمای پیش از انقلاب تأثیر خاصی بگذارند و فقط بحثهای مطبوعاتی و سینمایی را دامن زدند. از سال ۱۳۵۱ تا آغاز پیروزی انقلاب

جنوب شهر را فرخ غفاری در سال ۱۳۳۷ ساخت. موضوع متفاوت و نگاه انسانی فیلم، موجب بحث انگیزی آن شده بود. این فیلم به دلیل ضعف فرهنگی اغلب سینماگران و جو خاص آن سالها نتوانست باعث ایجاد یک جریان خاص فیلمسازی شود.

فیلمهای فریاد نیمه شب و یک قدم تا مرگ فیلمهای بحث انگیز خاجیکیان در سال ۱۳۴۰ بودند. تولید این فیلمها باعث روی آوری تعداد زیادی فیلمساز به سبک و گونه سینمای جنایی و پلیسی شد.

فیلم جدال در مهتاب (یاسمین) اولین محصول مشترک ایران و یک کشور خارجی در سال ۱۳۴۲ بود. این فیلم با آنکه هیچ گونه امتیاز سینمایی دربرنداشت اما زمینه ساز فیلمهای مشترک بسیاری شد.

دو فیلم شب قوزی (به خاطر داستان آشنا و قالب نو) و آقای قرن بیستم (به دلیل آنکه زمینه ساز ساخت فیلم گنج قارون بود) فیلمهای مطرح سال ۱۳۴۳ بودند.

سال ۱۳۴۴ سال تسلط جویندگان گنج بر سینما بود. فیلم گنج قارون در این سال ساخته شد و عناصر به کار رفته در آن (آبگوشت، آواز، رقص، سکس، بزن بزن و...) فرمول ساخت فیلمهای ایرانی را برای ده سال فراهم ساخت.

در همین سال فیلم خشت و آینه توسط ابراهیم گلستان ساخته شد. این فیلم به خاطر زبان روان و طنزآمیز و نزدیکی با زندگی مردم مورد توجه قرار گرفت، اما نتوانست جریان ساز شود.





سینما

اسلامی فیلمهای مبتذل، کم ارزش و بندرت ارزشمند فضای سینمای ایران را پوشانده بود. طی این سالها فیلمهای متفاوتی مانند خاک، شهر قصه، تنگنا، آرامش در حضور دیگران، اسرار گنج دره جنی، شازده احتجاج، گوزنها، طبیعت بیجان، سوت دلان و... نیز ساخته شدند.

با توجه به آنچه ذکرش رفت، با دگرگونی سینما به سبب رخداد انقلاب، مردم ما چیزهای اساسی و مهمی را از دست ندادند، بلکه بسیاری از عوامل ذلت و زبونی را از جامعه هنری و سینمایی طرد کردند و آنچه دارای ارزش نسبی بود، به صورت جبری به سینمای بعد از انقلاب انتقال و اتصال یافت.

### فیلمهای شاخص «سینمای نوین ایران» (۱۳۵۷-۱۳۶۹)

سینمای نوین ایران که با ایجاد تحول انقلاب اسلامی در تمام ابعاد اجتماعی شکل گرفت، بسیاری از عناصر فیلمفارسی را به دور انداخت و صاحب موقعیت و ویژگیهای تازه‌ای شد. آنچه به عرصه سینمای نوین ما وارد شده بود، ناشی از تحولات اجتماعی و عقیدتی مردم و شرایط تازه اجتماعی بود. با این وصف سینمای ایران با حضور عناصری از عشق و ایمان و انقلاب و جنگ و ایثار شکل گرفت. به قصد یافتن و عرضه برجسته‌ترین این عناصر در چارچوب فیلمهای تولید شده از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۹، فیلمهای دوازده سال اخیر را به کاوش می‌نشینیم، تا آنها را بیابیم و مانند دیگر دستاوردهای مردمی از آنها در ساختمان کلان سینمای ایران پاسداری کنیم.



مجموعه مقالات فرهنگی  
موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

سینما

دوره سوم / شماره سوم

۱۰  
فصلی



پیشتر کوم اتانی و مطالع کونجی  
 ستار کونجی و م کونجی



حضور دهها سینماگر جوان در عرصه سینمای حرفه‌ای ایران که در شرایط فیلمسازی پیش از انقلاب، امکان فعالیت‌های سینمایی را نداشتند، از مهمترین دستاوردهای سینمای نوین ایران است. ورود آنها به سینما، حضور تفکر و تلقی‌های گوناگونی را در سینما موجب شده است. هر چند که تعداد انگشت شماری از فیلمسازان قدیمی نیز در سینمای حرفه‌ای ما به کار مشغولند، اما جهت دهی سینمای آینده ایران با جوانان متعهد و علاقه‌مند است. اینان در اغلب زمینه‌ها و گونه‌های سینمایی دست به تجربه‌آموزی زده‌اند و با آنکه از جانب آنها شاهد ارائه فیلمهایی با تکنیک ضعیف نیز بوده‌ایم اما محتوای آثارشان والا و قابل تأمل هستند.

باز بودن در سینما به روی علاقه‌مندان، باعث شد تا شاهد ظهور چندین سینماگر زن باشیم. اینان با ساختن فیلمهایی با مضامین اجتماعی، خانوادگی و انسانی خوش درخشیده‌اند و این امر در سینمای ما واقعه کوچکی نیست و حاصل شرایط نوین جامعه می‌باشد.

بسیاری از عناصر و فرمولهای فیلمفارسی از سوی سینماگران ما طرد شده‌اند و علاوه بر آنکه شرایط اجتماعی و فرهنگی اجازه استفاده از عناصری چون رقص و موسیقی و آواز مبتذل را نمی‌دهد، خود فیلمسازان آگاه ما نیز با هشیاری به طرف آنها نمی‌روند. تماشاگران فیلمهای ایرانی در فیلمهای بعد از انقلاب دیگر حضور ابتذال در محملهای کافه و کاباره و قمارخانه و... را نمی‌بینند و عناصری چون دین، فرهنگ، اخلاق، جنگ، انقلاب و...

را در فیلمها شاهدند و همه اینها در کنار رشد سینمای کودکان و نوجوانان و برگزاری جشنواره‌های متعدد سینمایی، شرکت فیلمهای ایرانی در جشنواره‌های خارجی و... امتیازات خوب سینمای نوین ایران است که ظرف چند سال اخیر حاصل آمده است.

شرایط و تحولات اجتماعی ناشی از انقلاب اسلامی و آزادی ابراز عقاید در قالبهای مختلف هنری، به هنر و صنعت سینما رنگ تنوع بخشید و ما در گستره سینمای نوین ایران به تماشای آثار گوناگونی با مضامین مختلف نشستیم. در این سالها با برطرف شدن موانع ممیزی گذشته، سینمای ایران در زمینه‌های موضوعی مختلفی چون خانوادگی، مهاجرت، جنگ، انقلاب، سیاست، جنایت، کم‌دی، اجتماعی و... به تولید فیلم پرداخت. با توجه به روند عمومی تحولات جامعه و، فرهنگ و ایمان مردم، در هر مقطعی نوع بخصوصی فیلم مورد توجه قرار می‌گرفت و سینماگران ما با توجه به سلیق و پسند تماشاگر جهت فیلمسازی خود را می‌یافتند و این امر نشانگر حساسیت و دقت فیلمسازان ما به مسائل اجتماعی است.

۱۳۵۷

در سال ۵۷ به دلیل شرایط حساس اجتماعی و بروز انقلاب اسلامی، تمامی ارگانها، سازمانها، و دستگاههای اداری و هنری و فرهنگی دچار التهاب شده بودند. در چنین شرایطی تولید فیلم مانند تولید بسیاری از محصولات شاخه‌های هنری حالت رکود یافت و آنچه به نمایش درآمد نتیجه عملکرد و تدارک دست اندرکاران فیلمسازی، از پیش بود. در این سال ۱۵ فیلم سینمایی تولید و اکران شدند

و فیلمفارسی هایی چون کوسه جنوب، مشکل آقای اعتماد، سه دلیاخته و... به مدت کوتاهی اکران شدند. در همین سال سه فیلم متفاوت نیز به نمایش درآمد: دایره مینا ساخته داریوش مهرجویی که نگاهی انتقادی به مسائل مبتلابه جامعه داشت و از ساختی جمع و جور برخوردار بود. فیلم مطرح دیگر سال ۵۷ سفر سنگ کار مسعود کیمیایی بود. سفر سنگ يك فیلم شبه انقلابی و پرهیجان بود و توانست به واسطه نوع داستان، ساخت نسبتاً محکم و شعارگونه، بر تماشاگر تأثیر بگذارد. این فیلم تأثیر خوبی بر روند تولید فیلمهایی با مضامین انقلابی گذاشت.

فیلم غبارنشین ها ساخته داوود روستایی به دلیل نگاه فیلمساز به مشکل آپارتمان نشینی و پرهیز از روشنفکرتمایی، فیلمی متفاوت با دیگر فیلمهای فارسی سال ۵۷ بود.

۱۳۵۸

در این سال تغییر و تحولات در سطوح مختلف جامعه همچنان جریان داشت و هنوز سینما به صورت خودجوش عمل می کرد. در سال ۵۸ از میان ۳۱ فیلم تولید شده، فیلمهای سرخپوستها (به خاطر نگرش فیلمساز از پایین به عالم فیلمسازی)، ساخت ایران (به لحاظ ساخت نسبتاً حرفه‌ای و موضوع متفاوت)، تپش تاریخ، شهادت، لیلۃ القدر، جنگ اطهر، سایه‌های بلند باد و اوکی مستر (به دلیل نگاه متفاوت سازندگانشان و نزدیکی موضوع فیلمها به مسائل جاری اجتماع) آثار مطرح و قابل بحثی بودند. فیلم جنگ اطهر به سبب داستان و ساده‌گویی در قالب تصاویر، فیلم مورد توجهی بود. اما هیچ کدام از فیلمهای

هر چند که تعداد انگشت شماری از فیلمسازان قدیمی نیز در سینمای حرفه‌ای ما به کار مشغولند، اما جهت دهی سینمای آینده ایران با جوانان متعهد و علاقه‌مند است.

فوق الذکر جریان ساز نبودند .

۱۳۵۹

۱۸ فیلم با مضامین گوناگون در این سال تولید و عرضه شدند . فیلمهای سال ۵۹ تنوع موضوعی بسیار داشتند . يك فیلمفارسی ساز با کارگردانی يك فیلمفارسی و با رنگ و لعاب اسلامی خواست شانس خود را در سینمای نوین ایران بیازماید که نسبت به آن شدیداً عکس العمل نشان داده شد . فیلمهای زنده باد (خسرو سینایی ، با بار سیاسی - انقلابی) ، از فریاد تا ترور (منصور تهرانی ، فیلمی شبه سیاسی) ، خونبارش (امیر قویدل ، فیلمی انقلابی) ، پرواز به سوی مینو (تقی کیوان سلحشور ، فیلمی سیاسی - انقلابی) و سند زنده (اصغر بیچاره) فیلمهایی بودند که سازندگانشان براساس واقعتهای سیاسی و انقلابی جامعه آنها را ساختند . در میان فیلمهای فوق الذکر ، فیلم خونبارش توانست ارتباط خوبی با تماشاگر بیابد . این فیلم براساس يك داستان واقعی و بدون اغراق ساخته شده بود و در کل ، در ترمیم گوشه کوچکی از مبارزات مردم موفق بود . در این سال نیز حتی به يك فیلم تعیین کننده در راستای سینمای نوین ایران برخورد نمی کنیم .

۱۳۶۰

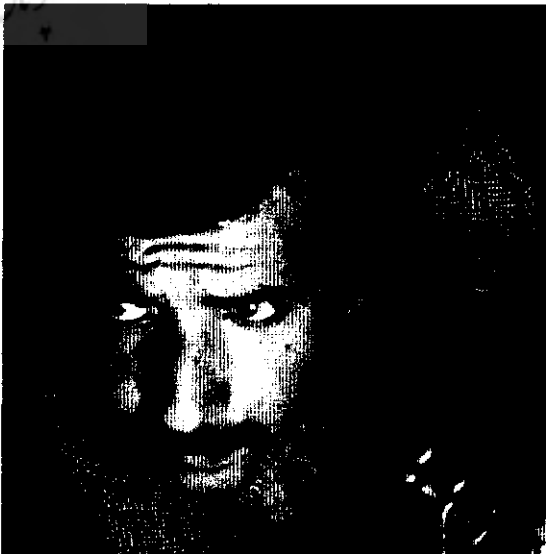
در این سال جامعه نوین ایران به خاطر قرار گرفتن در شرایط جنگ تحمیلی ، وضعیت تازه ای داشت و با توجه به این وضعیت تازه ، فیلمهایی امکان اقبال عمومی از سوی تماشاگران را می یافتند که به موضوعهای روز نزدیک باشند . ۱۹ فیلم در این سال تولید شدند . فیلمهای سال ۶۰ بجز سه فیلم (میراث



من جنون، رسول پسر ابوالقاسم و هجرت) همگی تحت تأثیر انقلاب و جنگ ساخته شدند. فیلمهای خانه آقای حق دوست کار محمود سمعی (نخستین فیلم کم‌دی صامت با محتوای انسانی در سینمای نوین ایران)، طلوع انفجار، دست شیطان و جستجو (یک مستند خوب - کار امیر نادری) از مطرحترین فیلمهای سال ۶۰ بودند. فیلم مرز با آنکه یک فیلم شعاری است اما نخستین فیلمی محسوب می‌شود که در ارتباط با جنگ تحمیلی ساخته شده است.

۱۳۶۱

فیلمهای ابراهیم در گلستان (عروسکی - کار ایرج امامی)، مرگ یزدگرد (بهرام بیضایی)، خط قرمز (مسعود کیمیایی)، سفیر (فریبرز صالح - اولین فیلم ایرانی که براساس یکی از وقایع مهم جهان اسلام ساخته شد)، اشباح (سینمایی ترین فیلم رضا میرلوحی)، دادا (ایرج قادری)، برزخها (ایرج قادری)، حاجی واشنگتن (علی حاتمی) و توجیه (منوچهر حقانی پرست) در میان ۱۵ فیلم تولید شده در سال ۶۱ مطرح‌ترینها هستند. فیلم برزخها به واسطه حضور کهکشانی از ستاره‌های فیلمفارسی، دادا به خاطر قهرمانبازی و سوژه ضد اربابی و... بیش از بقیه مطرح بودند. فیلم توجیه اولین محصول حوزه اندیشه و هنر اسلامی به لحاظ برخورد عقیدتی و سیاسی با طیفهای فکری مختلف، آغازگر تولید تعدادی فیلم مذهبی شد. ابراهیم و گلستان با آنکه فیلمی دیدنی بود اما نتوانست با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی سال ۶۱، به صورت یک جریان در سینمای ایران در آید.





۱۳۶۲

مضامین جنگ و انقلاب به نحو چشمگیری در فیلمهای این سال نمود دارد. توبه نصح اولین فیلم مخملباف به دلیل محتوای تأثیرگذارش، اقشار وسیعی از مردم را متأثر کرد و خانواده‌های مسلمان راه سوی سینما کشاند. توبه نصح هر چند ساخت تکنیکی ضعیفی داشت اما شاخص فیلمهای مذهبی ایرانی تلقی شد. نقطه ضعف (کارمحمدرضا اعلامی)، حصار، عبور از میدان مین، دو چشم بی سو، خانه عنکبوت و هیولای درون فیلمهای قابل بحث سال ۶۲ بودند.

۱۳۶۳

۲۷ فیلم در این سال به تولیدات سینمای ایران افزوده شد و فیلمهای میرزا کوچک خان (امیر قویدل)، پایگاه جهنمی (اکبر صادقی - يك فيلم تقليدى جنگى)، کمال الملك (علی حاتمی) و مترسک (حسن محمدزاده) فیلمهایی بودند که مورد استقبال اقشاری از مردم قرار گرفتند. در این سال فیلم فرار (با مضمون توجه به مسئله مهاجرت)، مردی که زیاد می دانست (کمدی و جنگی) مطرحتر از بقیه فیلمها بودند. فیلم مردی که زیاد می دانست به خاطر محتوای متفاوت و ساخت ساده‌اش توجه بسیاری را به سوی خود جلب کرد.

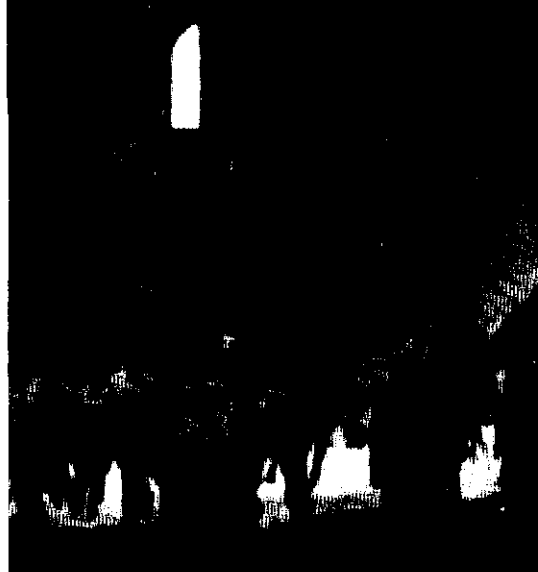
۱۳۶۴

سال ۶۴ با تولید ۴۶ فیلم با استفاده از سوزدهای متفاوت، به لحاظ کمی سال پربراری برای سینمای ایران است. شکار شکارچی (انقلابی)، حادثه (حادثه‌ای)، طائل (شبه جاسوسی - پلیسی)، تشریفات (نیمه سیاسی)، گمشده (خانوادگی)، ملوک جرم

(شبه کم‌دی)، بلمی به سوی ساحل (جنگی)، عیاران و طراران (افسانه‌ای)، آنسوی مه (سیاسی - مذهبی)، توهم (مذهبی و ضد گروهکی)، جاده‌های سرد (اجتماعی) و... از تنوع موضوعی سینما نشان دارند. فیلمهای شهر موشها (فیلم عروسکی موفقی که زمینه‌سازی تولید آثار بیشتری را در عرصه سینمای کودکان و نوجوانان فراهم ساخت)، اولی‌ها (عباس کیارستمی - به خاطر نگاه لطیف فیلمساز به مسائل روانی و تحصیلی کودکان)، عقابها (برای مونتاژ قوی و فروش زیاد، ساخته ساموئل خاچیکیان)، تنوره دیو (کیانوش عیاری)، کفشهای میرزا نوروز (کار محمد متوسلانی - يك کم‌دی سالم)، آنسوی مه و جاده‌های سرد، آثار متنوع و مطرح سال ۶۴ محسوب می‌شوند و هر کدام نیز توانستند بر سینمای ایران تأثیر بگذارند اما مهمترین اثرها را عقابها، آنسوی مه، جاده‌های سرد و فیلم پراحساس و عاطفی پدر بزرگ ساخته مجید قاری زاده بر تماشاگر و جریان فیلمسازی گذاشتند.

۱۳۶۵

در این سال ۴۸ فیلم سینمایی عرضه شد. فیلمهای طلسم، بی بی چلچله، روزهای انتظار، دستفروش، پرواز در شب، شب کژدم، خانه دوست کجاست؟، اجاره‌نشینها، گزارش يك قتل و ناخدا خورشید بهترینهای این سال تلقی گردیدند. در این میان دستفروش کار محسن مخملباف (به لحاظ ساخت و محتوای تفکر برانگیز)، پرواز در شب ساخته رسول ملاقلی پور (يك فیلم خوب جنگی)، خانه دوست کجاست کار عباس کیارستمی (با





داستانی پر عاطفه)، اجاره‌نشینها به کارگردانی داریوش مهرجویی (به خاطر ساخت محکم و کمیک و فروش بالا) و ناخدا خورشید ساخته ناصر تقوایی (به دلیل ساخت حرفه‌ای) تأثیرگذارترین فیلمهای سال ۶۵ بودند.

۱۳۶۶

۶۳ فیلم در سال ۶۶ وارد بازار سینمای ایران شدند. فیلمهای قابل طرح این سال عبارت اند از: خانه در انتظار، آن سوی آتش، پرندۀ کوچک خوشبختی، شاید وقتی دیگر، کانی مانگار جهیزیه برای رباب. با فیلم پرندۀ کوچک خوشبختی، «پوران درخشنده» به سینمای ایران معرفی شد و زمینه تولید فیلمهای عاطفی از دیدگاه زنانه طرح شد. سینمای ایران در این سال به لحاظ کمی پیشرفت محسوسی داشت.

۱۳۶۷

۵۵ فیلم در این سال ساخته شدند که اهم آنها بای سیکل ران، افق، عروسی خوبان، درمسیر تندباد، دیده‌بان، کشتی آنجلیکا، روز باشکوه شهر کوچک، مشق شب، گلنار، آب، باد، خاک، گال و ماهی می باشند. فیلمهای بای سیکل ران (به خاطر طرح مضامین انسانی و جهانشمول)، افق (تکنیک خوب و فروش بالا)، عروسی خوبان (به دلیل طرح مسائل اجتماعی از زاویه دیدی نو)، مشق شب (برای اعتراض به نظام آموزشی)، گلنار (به دلیل استفاده از داستان و فضای خوب و فروش بالا و یافتن موقعیتی محکم در راستای سینمای کودکان و نوجوانان) و دیده‌بان ساخته ابراهیم حاتمی کیا (به خاطر ساخت سینمایی و محتوای زیبا و انسانی فیلم)

از شاخصترین فیلمهای سال ۶۷ می باشند. فیلم دیده‌بان به خاطر صداقت فیلمساز در ارائه واقعه‌های جنگ تحمیلی، تأثیری اساسی بر «سینمای جنگ» گذاشت.

۱۳۶۸

در سال ۶۸ بالغ بر ۵۰ فیلم سینمایی بامضامین مختلف در سبکهای متفاوت هنری به نمایش در آمد. فیلمهای هامون (داریوش مهرجویی - به دلیل ساخت حرفه‌ای، محتوای تفکر برانگیز و بازیهای خوب)، کلوزآپ (عباس کیارستمی، به دلیل مضمون نو و ابتکاری)، دندان مار (مسعود کیمیایی - به لحاظ پرداخت نسبتاً خوب و توجه به معضلات اجتماعی)، ریحانه (علیرضا رئیسیان - به خاطر ارائه موضوع عشقی و دفاع از شخصیت زن)، ای ایران (ناصر تقوایی - به دلیل قالب طنز و تحریف وقایع تاریخی)،، مادر (علی حاتمی - برای ساخت محکم، ساختمان کمیک فیلم و محتوای عاطفی و فروش نسبتاً خوب)، دزد عروسکها (محمد رضا هنرمند - به خاطر فروش بالا، توجه به دنیای فانتزی و ترکیب عروسکی و زنده)، خواستگاری (مهدی فخیم زاده - برای فروش بالا، سوژه عشقی و لحظات کمیدی)، و فیلم خوب مهاجر ساخته ابراهیم حاتمی کیا، مطرحترین آثار سینمایی این سال بودند. فیلمهای دزد عروسکها (بر روند تولید فیلمهای کودکان و نوجوانان)، ریحانه (بر رشد و تولید سریع فیلمهایی بسا مضامین عشقی)، خواستگاری (برساخت فیلمهای ساده و فیلمسازی گونه) و... تأثیراتی عمیق گذاشتند و برچگونگی تولید فیلم ایرانی مطابق با سلیقه تماشاگر تأکید کردند.

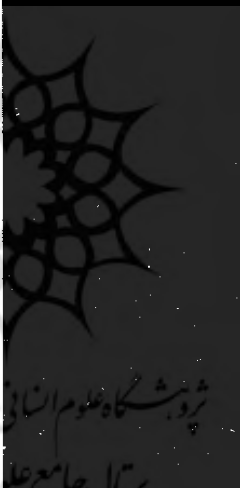




مهرن



در کوهسای مرتضی



پروژه‌های گوناگونی در زمینه  
تال جامع علم

با آنکه بالغ بر ۱۰۰۰ فیلم در طول نیم قرن در عرصه سینمای حرفه‌ای ایران ساخته شده است اما کمتر فیلمی را می‌توان یافت که هم تکنیک و محتوای قابل توجهی داشته باشد و هم اینکه بر روند فیلمسازی در ایران تأثیری تعیین کننده گذاشته باشد.



کاوش و با فروش نسبتاً مطلوب، و نمایش عمومی فیلم سفر جادویی ساخته ابوالحسن داوودی و همچنین اکران فیلم آپارتمان شماره ۱۳، وضعیت عمومی سینماهای تهران و چند شهرستان اندکی متعادلتر شده و رنگ امید بر سیمای برخی از دست اندرکاران فیلم و سینما نشسته است. شناخت و تشخیص فیلمهای شاخص سال ۶۹ منوط به اکران عمومی کلیه فیلمهای مذکور در سال ۱۳۷۰ می باشد که نگارنده، بررسی آنها را به موقعیت دیگری موکول می کند.

آنچه از نظرتان گذشت، نگاه شتابزده نگارنده به برخی از برجستگیها و فیلمهای شاخص سینمای ایران بود. سعی بر این بوده است که در این نوشتار بر همه دست اندرکاران امور سینما روشن شود که وضعیت خاص فعلی سینما را دریابند و از کنار دست یافته‌های خوب سینمای نوین ایران بی تفاوت نگذرنند. سینمای امروز ایران نیاز به توجه همه جانبه دارد و باید دید که چه طور می شود مانع از بین رفتن ارزشهای خوب سینمای ایران شد. آیا راه چاره در برگزاری کنفرانسها و میزگردهای سینمایی با حضور همه مسئولین و صاحب نظران است؟ در تغییر ساختمان اداری تشکیلاتی سینماست؟ در بهبود کیفی بودجه اختصاصی به سینماست؟ تغییر در نحوه تصویب و ارائه پروانه ساخت و درجه گذاری فیلمهاست؟ یا... به هر صورت آنچه بدیهی می باشد این است که باید توجه و دقت و دلسوزی همه علاقه مندان به سینما معطوف پاسداری از ارزشهای سینمای انقلاب و رشد این سینما شود.

۱۳۶۹ و ۱۳۷۰

سال ۶۹، سال جنجالی به خاطر نمایش چند فیلم در نهمین جشنواره فیلم فجر، سال غیبت فیلمسازان قدیمی و سال ظهور چند فیلمساز جدید است. در این سال یدالله صمدی با ارائه فیلم کمندی آپارتمان شماره ۱۳ از خود چهره‌ای آشنا به اسلوب سینمای کمندی نشان داد. (تعدادی از فیلمهای سال ۶۹، هنوز در سال ۷۰ به نمایش درنیامده‌اند اما از آنجا که نگارنده اغلب آنها را دیده است، به صورت گذرا به این فیلمها نیز اشاره می کند.)

دو فیلم نوبت عاشقی و شهبای زاینده رود ساخته محسن مخملباف، جار و جنجال بسیاری را در عرصه مطبوعات و حوزه‌های اجتماعی و سیاسی باعث شدند. فیلمهای پرده آخر، سایه خیال، در کوچه‌های عشق، عروس و دو فیلم با يك بلیت فیلمهای مطرح و شاخص این سال می باشند.

با اکران فیلم حادثه‌ای آتش پنهان کار حبیب

